

نرخ ارز و تولید در اقتصاد ایران

الناز باقرپور اسکویی^۱

چکیده

امروز وضعیت اقتصاد کشور طوری است که اگر بخواهیم در مورد هر موضوع کلیدی اقتصادی و اصلاح آن بحث کنیم، پای بسیاری از موضوعات مبنایی و متغیرهای محوری اقتصاد به میان می‌آید و باید آن‌ها را هم‌زمان با موضوع مورد بحث تحلیل کنیم. واکاوی شرایط اقتصاد ایران در حال حاضر و ارتباط مقوله ارز و ثبات و بی‌ثباتی آن و چگونگی تحت تأثیر قرار گرفتن تولید، یکی از ملاک‌های مهم برای ارزیابی هر اقدام سیاستی در اقتصاد است. اساساً با توجه به شدت وابستگی تولید به واردات، بی‌ثباتی ارزی باعث می‌شود تا تولید نسبت به قبل محدودتر شود. به عبارت دیگر، به خاطر وابستگی شدید تولید به مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و تورم شدید هزینه‌های ریالی تولید (که به خاطر افزایش نرخ ارز اتفاق می‌افتد)، با افزایش نرخ ارز نه تنها تولید افزایش نمی‌یابد، بلکه دچار محدودیت و تنگنا می‌شود که لختی و کندی تولید در چهار دهه گذشته شاهدهی بر این مدعاست. بنابراین، ضرورت ایجاب می‌کند که در سیاست‌های ارزی و مدیریت منابع ارزی و نرخ ارز میزان وابستگی تولید صنعتی و صادرات به نرخ ارز و واردات در نظر گرفته و مقتضیات تولید داخل اصل قرار داده شود.

واژگان کلیدی: نرخ ارز، تولید ناخالص داخلی، اقتصاد ایران.

مقدمه

کالاهای غیرصادراتی نیز افزایش می‌یابد و از این طریق، تولیدکنندگان این کالاها هم سود بیشتری به دست می‌آورند و در مجموع، تولید افزایش می‌یابد. در سوی مقابل، عده‌ای هم معتقدند که به خاطر وابستگی تولید (چه صادراتی و چه غیرصادراتی) به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و مواد اولیه خارجی، افزایش نرخ ارز اگر موجب محدودیت تولید نشود، موجب افزایش آن یا افزایش قابل ملاحظه آن نمی‌شود.

در مورد نخست، این صاحب‌نظران تأثیرگذاری نرخ ارز بر تولید را متقارن ارزیابی می‌کنند و معتقدند اگر نرخ ارز افزایش یابد، تولید افزایش

یکی از ملاک‌های مهم برای ارزیابی هر اقدام سیاستی در اقتصاد، چگونگی تحت تأثیر قرار گرفتن بخش تولید است. بنابراین، تغییر قیمت کلیدی نرخ ارز و سیاست‌های ارزی نیز از این قاعده مستثنا نیست. عده‌ای معتقدند که وقتی نرخ ارز افزایش می‌یابد، هم سود تولیدکنندگان کالاهای صادراتی و هم سود تولیدکنندگان کالاهای غیرصادراتی افزایش می‌یابد؛ زیرا تولیدکنندگان کالاهای صادراتی با افزایش نرخ ارز، دریافت ریالی بیشتری برای فروش مقدار معین کالا کسب می‌کنند. این موجب می‌شود کالاهای صادراتی در داخل گران‌تر شود. همچنین، قیمت

۱- اقتضائات تولید در تعیین نرخ ارز

در تحلیل هر سیاست اقتصادی به‌ویژه در زمینه سیاست‌های ارزی، یکی از عوامل کلیدی که باید مورد توجه قرار گیرد، تأثیر آن سیاست‌های ارزی بر تولید است. نرخ ارز به‌عنوان متغیر اقتصادی اساسی نه تنها تحت تأثیر سیاست‌های ارزی قرار می‌گیرد، بلکه خود نیز می‌تواند تأثیرات عمیقی بر تولید و دیگر جنبه‌های اقتصادی داشته باشد. از این‌رو بررسی ارتباط بین تغییرات نرخ ارز و روندهای اقتصادی از جمله تولید و واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید و درآمدهای نفتی اهمیت فراوانی دارد.

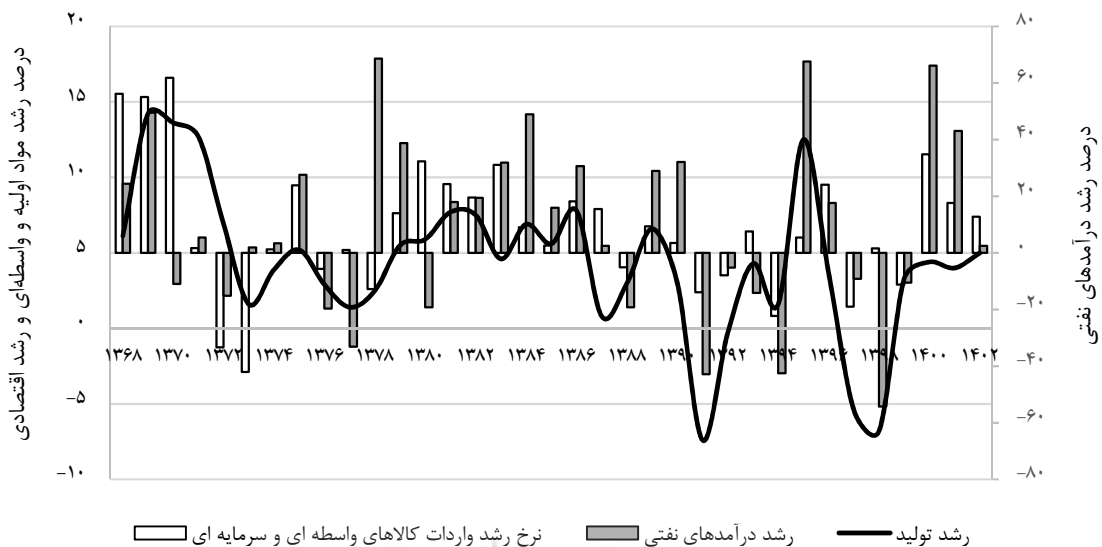
نمودار شماره ۱ روند نرخ رشد تولید، واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید (به‌عنوان شاخصی از «تزریق ارز») و درآمدهای نفتی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، دوره‌هایی که تزریق ارز از محل واردات نهاده‌های تولیدی با رشد اقتصادی همراه بوده، عمدتاً مقارن با سال‌هایی بوده که درآمدهای نفتی در سطح بالایی قرار داشته و دولت توانسته است نیازهای تولید را با ارز ارزان یا قابل دسترس تأمین کند (مانند سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰). در مقابل، در سال‌هایی که دسترسی به منابع ارزی محدود شده (مانند سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۳، ۱۳۹۲-۱۳۹۰ و از سال ۱۳۹۷ به بعد)، کاهش واردات نهاده‌های تولیدی به افت محسوس رشد اقتصادی انجامیده است.

می‌یابد و متناظر آن، اگر نرخ ارز کاهش یابد، تولید کاهش می‌یابد. در مورد دوم، عده‌ای اثرگذاری منفی را مقارن لحاظ می‌کنند و معتقدند اگر نرخ ارز افزایش یابد، تولید کاهش می‌یابد و اگر نرخ ارز کاهش یابد، تولید افزایش می‌یابد و بر همین مبنا معتقدند که باید نرخ ارز کاهش یابد بدون اینکه به هزینه‌های آن توجهی کنند، اما در این گروه دوم عده‌ای معتقدند که اگر نرخ ارز افزایش یابد، تولید افزایش چندانی نمی‌یابد و حتی ممکن است کاهش یابد، اما اگر نرخ ارز را کاهش دهیم، تولید به‌هیچ‌وجه افزایش نمی‌یابد. از این‌رو در این مطالعه در پی این هستیم که چگونگی تأثیر تغییرات نرخ ارز بر تولید را با توجه به شرایط فنی، نهادی و رقابت‌پذیری وضعیت تولید بررسی کنیم.

تا وقتی استقلال بخش تولید به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای مورد توجه قرار نگیرد، به‌خاطر وابستگی شدید تولید به مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و تورم شدید هزینه‌های ریالی تولید (که به‌خاطر افزایش نرخ ارز اتفاق می‌افتد)، با افزایش نرخ ارز نه تنها تولید افزایش نمی‌یابد، بلکه دچار محدودیت و تنگنا می‌شود که لختی و کندی تولید در چهار دهه گذشته شاهدی بر این مدعاست.



نمودار ۱- بررسی روند نرخ رشد تولید، واردات نهاده‌های تولیدی و درآمد نفتی در سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۶۸



مأخذ: بانک مرکزی، ۱۴۰۳

واسطه‌ای و سرمایه‌ای و تورم شدید هزینه‌های ریالی تولید (که به‌خاطر افزایش نرخ ارز اتفاق می‌افتد)، با افزایش نرخ ارز نه تنها تولید افزایش نمی‌یابد، بلکه دچار محدودیت و تنگنا می‌شود که لختی و کندی تولید در چهار دهه گذشته شاهدهی بر این مدعاست.

- میزان ارزبری تولید

میزان ارزبری تولید به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم وابستگی اقتصاد به ارز خارجی، نشان‌دهنده حساسیت تولید به تغییرات نرخ ارز است. در صورتی که میزان ارزبری تولید بالا باشد، تغییرات نرخ ارز می‌تواند تأثیر زیادی بر روند تولید داشته باشد؛ زیرا هزینه‌های تولید وابسته به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به‌طور مستقیم تحت تأثیر نوسانات ارزی قرار می‌گیرد. در این حالت، هرگونه تغییر در نرخ ارز موجب افزایش هزینه‌های تولید یا حتی کاهش رقابت‌پذیری تولیدات داخلی می‌شود، اما اگر ارزبری تولید محدود باشد و در عوض، درجه جانشینی نهاده‌ها و کالاهای سرمایه‌ای

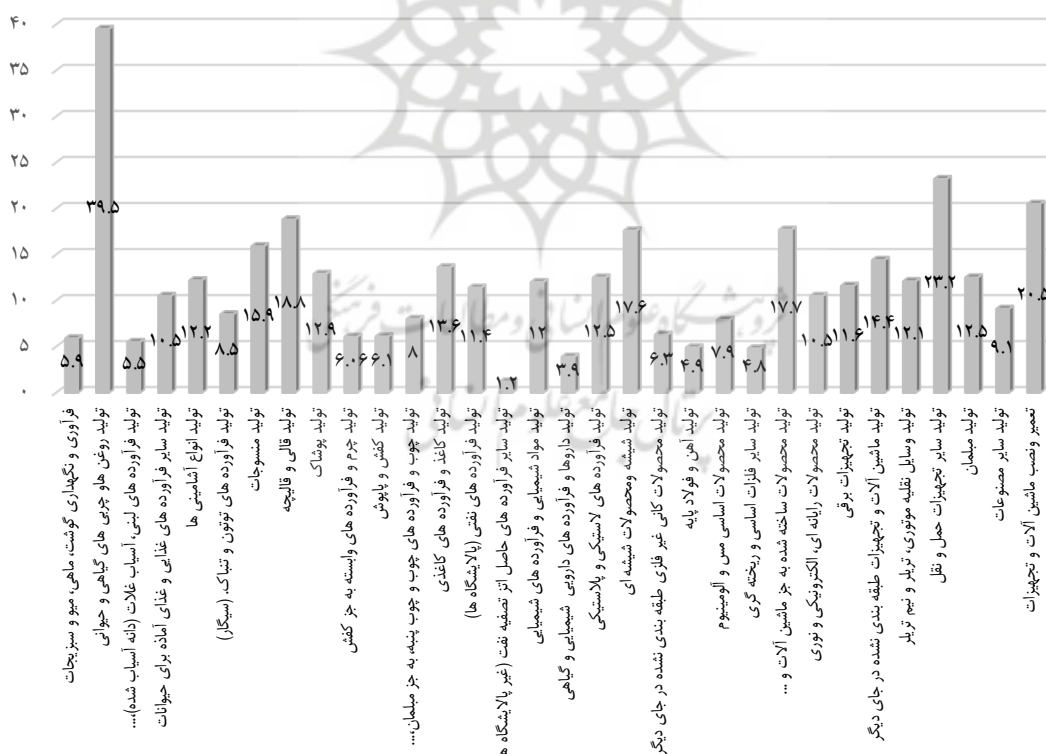
این تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که وابستگی تولید به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، پیوندی مستقیم با دسترسی به منابع ارزی دارد و هرگونه اختلال در عرضه ارز (به‌ویژه ارز حاصل از صادرات نفت) می‌تواند به افت رشد اقتصادی منجر شود. نکته حائز اهمیت در تحلیل این روند آن است که مثبت شدن رشد اقتصادی از نیمه دوم سال ۱۳۹۸، الزاماً به معنای بهبود بخش مولد اقتصاد نیست، بلکه بخش عمده آن ناشی از فروش نفت است. بنابراین، اگر تغییرات اساسی و بهبود در تولید و صادرات نفت ادامه یابد، شاهد تداوم رشد اقتصادی خواهیم بود و چنانچه وقفه‌ای در این تحولات رخ دهد، تأثیر منفی خود را به‌سرعت در کاهش نرخ رشد اقتصادی نشان خواهد داد مانند جهش موقتی رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۵ به ۱۲/۵ درصد که در سال‌های بعد دوباره کاهش یافت.

به عبارت دیگر، تا وقتی استقلال بخش تولید به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای مورد توجه قرار نگیرد، به‌خاطر وابستگی شدید تولید به مواد اولیه، کالاهای

در حال حاضر، اطلاعات دقیق و تفکیک شده در خصوص ارزبری صنایع مختلف در دسترس نیست. باین حال، با تحلیل های موجود و آمارهای ارائه شده توسط مرکز پژوهش های مجلس (۱۴۰۲)^۱، سعی شده است میزان وابستگی تولید زیربخش های صنعتی در اقتصاد ایران به ارز خارجی از طریق سهم واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای و سرمایه ای ارزیابی شود. آمار ارزبری صنایع مختلف به طور دقیق و مجزا در دسترس نیست. از این رو تعیین میزان دقیق ارزبری صنایع مختلف امکان پذیر نیست.

وارداتی و داخلی بالا باشد، تغییرات نرخ ارز ممکن است تأثیر کمی بر تولید داشته باشد و در برخی موارد حتی موجب بهبود وضعیت تولید نیز شود. در چنین شرایطی، تولیدکنندگان می توانند از نهاده های داخلی یا کالاهای وارداتی جانشین استفاده کنند که این موضوع موجب کاهش وابستگی تولید به نوسانات ارز می شود. بنابراین، باید توجه داشت که اگر اقتصاد بی ثبات باشد و بازار ارز رقابتی و عمیق نباشد و ارزبری تولید هم قابل ملاحظه باشد، تغییر نرخ ارز به عنوان متغیر کلیدی، ثبات اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد و بر فضای اعتماد و کسب و کار و تولید تأثیر می گذارد.

نمودار ۲- نسبت واردات کالاهای واسطه ای به ارزش تولیدات صنعتی بر اساس جدول داده-ستانده اقتصاد ایران (۱۳۹۵) (درصد)



مأخذ: مرکز پژوهش های مجلس، ۱۴۰۲.

۱. مرکز پژوهش های مجلس (۱۴۰۲). بررسی و ارزیابی ساختار صنعت از منظر وابستگی واردات در کوتاه مدت و بلندمدت.

می‌کنند و به مصرف‌کننده نهایی نزدیک‌تر هستند، از وابستگی بیشتری به واردات برخوردارند. این صنایع برای تولید خود، به واردات مواد اولیه خاص، قطعات نیمه‌ساخته یا کالاهای واسطه‌ای خارجی نیازمندند و به همین دلیل حساسیت بیشتری نسبت به نوسانات نرخ ارز دارند.

نوع دیگری از وابستگی ارزی نیز مربوط به واردات ماشین‌آلات، تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای است که با فناوری، ساختار تولید و فرایند نوسازی صنعتی در ارتباط است. نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد که به‌طور میانگین، در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۹، حدود ۸۷/۴ درصد از خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای بخش صنعت از منابع خارجی تأمین شده است. این آمار بیان‌کننده درجه بالای وابستگی فناوری تولید صنعتی ایران به واردات است که اهمیت توجه به بومی‌سازی، توسعه فناوری داخلی و سیاست‌گذاری برای کاهش وابستگی ارزی را برجسته می‌سازد.

در تحلیل هر سیاست اقتصادی به‌ویژه در زمینه سیاست‌های ارزی، یکی از عوامل کلیدی که باید مورد توجه قرار گیرد، تأثیر آن سیاست‌های ارزی بر تولید است.

مطابق با نمودار شماره ۲، صنایعی که در بالادست زنجیره ارزش قرار دارند و تولید آن‌ها متکی به منابع اولیه معدنی، نفتی یا شیمیایی است، به‌واسطه دسترسی داخلی به ذخایر غنی و متنوع در کشور، دارای وابستگی ارزی اندکی هستند. به بیان دیگر، نسبت واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای به ارزش تولیدات این صنایع پایین است و تولید آن‌ها کمتر در معرض شوک‌های ارزی قرار دارد. در مقابل، صنایعی که در پایین‌دست زنجیره ارزش فعالیت

نمودار ۳- سهم اجزای ارزش خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی از کل خرید یا تحصیل اموال سرمایه‌ای خارجی بخش صنعت برای متوسط دوره زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۹- درصد



مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲.

سیاست‌های ارزی و قیمتی زمانی می‌توانند اثربخشی و کارآمدی لازم را داشته باشند که پیش‌نیازهای آن در بخش واقعی اقتصاد ازجمله کاهش وابستگی به واردات، تقویت زنجیره تأمین داخلی و ارتقای بهره‌وری فراهم شده باشد.

دلاری واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به ارزش افزوده دلاری تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید، بیان‌کننده سطح بالای وابستگی ارزی تولید داخلی است.

در این شاخص، با تقسیم مجموع دلاری واردات اقلام یادشده بر ارزش افزوده دلاری کل تولید، میزان وابستگی بخش واقعی اقتصاد به ارز خارجی برآورد می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که وابستگی به واردات نه تنها در بخش صنعت، بلکه در دیگر بخش‌ها ازجمله کشاورزی و خدمات نیز وجود دارد. ارقام درج‌شده در جدول شماره ۱ حاکی است که در برخی سال‌ها این نسبت به بیش از ۲۰ درصد رسیده که نشان‌دهنده شکنندگی بخش تولید در برابر نوسانات ارزی و اختلال در فرایند واردات است.

در ادامه، میزان وابستگی کل تولید و صادرات کشور به ارز خارجی از طریق بررسی سهم واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تحلیل شده است. مطابق جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۴، در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲، تولید ناخالص داخلی ایران به‌طور قابل توجهی وابسته به واردات این اقلام بوده است. شاخص «ارزبری تولید» که از نسبت مجموع

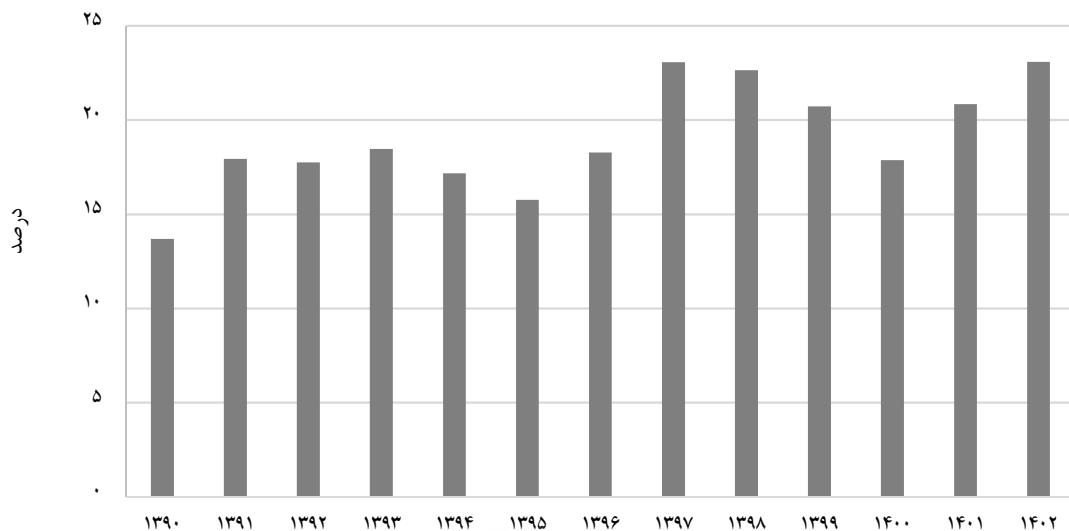
جدول ۱- ارزبری تولید برای سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۹۰ (میلیون دلار)

سال	واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای	واردات کالاهای سرمایه‌ای	تولید ناخالص داخلی	ارزبری تولید (درصد)
۱۳۹۰	۶۶۲۸۲	۱۹۳۷۴	۶۲۶۱۳۳	۱۳/۷
۱۳۹۱	۹۳۲۶۵۴	۲۲۲۷۲	۶۴۴۰۳۵	۱۷/۹
۱۳۹۲	۷۱۲۳۸۱	۱۶۱۹۰	۴۹۳۷۷۵	۱۷/۷
۱۳۹۳	۶۵۳۱۹	۱۹۶۹۹	۴۶۰۳۸۲	۱۸/۴
۱۳۹۴	۵۴۰۸۴	۱۵۹۷۲	۴۰۸۲۱۳	۱۷/۲
۱۳۹۵	۵۳۷۰۸	۱۸۴۹۰	۴۵۷۹۵۴	۱۵/۸
۱۳۹۶	۶۹۶۱۷	۱۹۲۷۸	۴۸۶۶۳۰	۱۸/۳
۱۳۹۷	۶۰۶۳۲	۱۵۳۸۴	۳۲۹۶۱۹	۲۳
۱۳۹۸	۵۲۵۹۹	۱۱۶۰۲	۲۸۳۶۴۹	۲۲/۶
۱۳۹۹	۴۰۳۳۷	۹۳۵۳۷	۲۳۹۷۳۵	۲۰/۷
۱۴۰۰	۵۱۸۱۱	۱۲۳۷۲	۳۵۹۰۹۶۹	۱۷/۹
۱۴۰۱	۷۱۴۰۴	۱۴۷۵۲	۴۱۳۳۹۴	۲۰/۸
۱۴۰۲	۷۶۶۹۷	۱۵۹۸۷	۴۰۱۵۰۴	۲۳/۱
متوسط				۱۹/۰۲

مأخذ: بانک جهانی، ۱۴۰۳ و یافته‌های پژوهش.



نمودار ۴- ارزبری تولید (درصد)



مآخذ: بانک جهانی، ۱۴۰۳ و یافته‌های پژوهش.

بالا بردن نرخ ارز برای جبران آثار مخرب سیاست‌های نادرست کلان اقتصادی، ناکارآمدی، افت و تنزل کیفیت، بی‌ثباتی قیمت تمام‌شده و احاطه بخش مولد توسط بخش نامولد یک مقوله است و افزایش نرخ ارز بعد از تأمین رقابت‌پذیری، ارتقای کیفیت و ثبات بخشیدن به قیمت تمام‌شده در یک اقتصاد مولد و باثبات مقوله دیگری است. قیاس این دو وضعیت، قیاسی اشتباه و گمراه‌کننده است. در وضعیت نخست، وقتی نرخ ارز را بالا می‌بریم تا مدتی به لحاظ صوری و قیمتی کاستی‌ها جبران می‌شود، اما دوباره به‌خاطر تداوم افت رقابت‌پذیری در همه زمینه‌ها، کالاهای داخلی بالنسبه گران می‌شوند و دوباره باید نرخ ارز را بالا برد و این فرایند بی‌ثباتی حد توقفی ندارد. در این فرایند، نظام پاداش‌دهی به عوامل تولید و توزیع درآمد بدتر می‌شود. در این شرایط، سوداگران غیرمولد تقویت می‌شوند و بی‌ثباتی پولی و قیمتی در اقتصاد تداوم می‌یابد، اما در وضعیت دوم اوضاع کاملاً متفاوت است. همه بسترهای

در چنین شرایطی، حتی در مورد محدود کالاهای صادراتی کشور نیز ارزبری تولید برخی از آن‌ها به‌اندازه‌ای بالاست که سودآوری صادرات را کاهش می‌دهد و اثر تعدیل‌کننده نوسان نرخ ارز بر توسعه صادرات را تضعیف می‌کند. بنابراین، سیاست‌های ارزی و قیمتی زمانی می‌توانند اثربخشی و کارآمدی لازم را داشته باشند که پیش‌نیازهای آن در بخش واقعی اقتصاد از جمله کاهش وابستگی به واردات، تقویت زنجیره تأمین داخلی و ارتقای بهره‌وری فراهم شده باشد.

ازاین‌رو حاصل افت کیفیت و رقابت‌پذیری و بی‌ثباتی قیمت تمام‌شده این است که کالاهای داخلی روزه‌روز گران‌تر و واردات به‌صرفه و صادرات بدون صرفه شود. با افزایش نرخ ارز در این مورد، نه صادرات شتاب می‌گیرد و نه واردات به‌طور محسوس کاهش می‌یابد. این موضوع در ادامه به‌تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

دلیل آن کاملاً آشکار است؛ زیرا اصلاحات قیمتی با ایجاد بسترهای ساختاری، نهادی، سیاسی و اجتماعی همراه نبوده و همین موضوع موجب انفعال و سیلان نقدینگی، تورم و گسترش بخش نامولد در کشور شده است (شاگری، ۱۳۹۵).

در چنین مواردی برای حفظ تولید و اشتغال باید نیازهای ارزی تولید را در صدر اولویت‌ها قرار داد و در قیمت‌گذاری و مدیریت نرخ ارز، مقتضیات تولید داخل را اصل قرار داد، اما در شرایط کنونی که نرخ ارز مدیریت نشده و به شدت افزایش یافته، تولید داخلی تحت فشار قرار گرفته و تورم داخلی و انتظارات تورمی هم به‌عنوان عوامل افزایش‌دهنده هزینه‌های تولید، مزید بر علت شده است. بنابراین، ضرورت ایجاد می‌کند که به فکر نظام ارزی عمیق و رقابتی باشیم و در سیاست‌های ارزی و مدیریت منابع ارزی و نرخ ارز میزان وابستگی تولید صنعتی و صادرات به نرخ ارز و واردات را در نظر بگیریم.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که هرگونه بی‌ثباتی در قیمت ارز تأثیرات نامطلوبی چه در سطح خرد و چه در سطح کلان بر جا می‌گذارد. ایجاد بی‌ثباتی در فضای کلان اقتصاد، عدم قطعیت زیاد در روند قیمت‌های نسبی و در نتیجه، فاصله گرفتن بنگاه‌ها از مدار کارآمدی، بی‌ثباتی در بازارهای مالی، کوتاه‌تر شدن افق سرمایه‌گذاری‌ها، ایجاد اختلال در فرایندهای تصمیم‌گیری و سلب توان برنامه‌ریزی در آینده، تجدیدنظر در طرح‌های طراحی شده و خدشه‌دار شدن اعتبار بانک مرکزی را می‌توان ازجمله

رقابت‌پذیری و فنی فراهم است، کیفیت مورد اهتمام همه است، قیمت تمام‌شده باثبات و نقدینگی کنترل‌شده و باثبات است. افزایش نرخ ارز در اینجا به اقتصاد علامت می‌دهد و موجب افزایش صادرات و کاهش واردات می‌شود و هیچ‌گونه اثر جانبی هم بر جا نمی‌گذارد.

اساساً تعدیل و اصلاحات هزینه دارد. باید طوری تعدیل را آغاز کرد و انجام داد که در کمترین زمان ممکن اقتصاد به تعادل مجدد برسد و در آنجا در وضعیت یکنواخت تعادلی جدید فعالیت کند، اما وقتی به‌خاطر افت کیفیت برای تأمین حرص و ولع بخش نامولد و جبران ناکارآمدی سازمان کار و تولید و قیمت‌های تمام‌شده بالا، نرخ ارز را بالا می‌بریم و در زمینه‌های فنی و کیفیت و کارایی هیچ اقدامی انجام نمی‌دهیم، باید چندین دهه تعدیل انجام دهیم و هیچ‌وقت هم به وضعیت تعادلی یکنواخت نرسیم و هر سال و هر ماه هم هزینه‌های آن را بپردازیم و بعد از چند دهه تعدیل و اصلاحات مستمر اقتصادی شاهد وابستگی بالای ماشین تولید داخلی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای خارجی باشیم و منشأ ارزآوری اقتصاد کشور همچنان بخش نفت باشد و افزایش نرخ ارز موجب شود که به‌خاطر گران شدن کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، ورود بنگاه‌ها به صادرات محدود شود (شاگری، ۱۳۹۵).

۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

از برنامه اول تا به امروز چندین بار نرخ ارز تغییر کرده و اصلاحات قیمتی مستمر انجام شده، اما روند تولید همچنان در یک دام سطح پایین گرفتار است.



تولید را در نظر گرفت. به عبارت دیگر، تا وقتی کیفیت، رقابت پذیری، بهره‌وری و کارایی و تقویت نهاد تولید و نیز استقلال بخش تولید از مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی مورد توجه قرار نگیرد، نرخ ارز اثر محدودکننده بر تولید دارد. به عبارت جامع‌تر، برای ارتقای تولید باید برای موانع غیر قیمتی فکری کرد. تا این موانع از سر راه برداشته نشود، با اصلاحات مکرر قیمتی تولید شتاب نمی‌گیرد و فضای کسب‌وکار و تولید را بهبود نمی‌بخشد. در چنین شرایطی برای بهبود اوضاع پیشنهاد های زیر ارائه می‌شود.

- لزوم مدیریت فعالانه نرخ ارز: باید با در نظر گرفتن دو واقعیت نبود نظام ارزی و لزوم ایجاد آن و تأثیر بی‌ثباتی نرخ ارز بر ثبات اقتصاد، ارز را مدیریت و در افق کوتاه‌مدت از بی‌ثباتی ارزی و سرایت آن به کل اقتصاد جلوگیری کرد. چه‌بسا رواج دو نرخ یا چند نرخ در شرایط خاص و ضروری موضوعیت یابد، اما باید نظارت کرد که از این وضعیت سوءاستفاده نشود و در افق میان‌مدت و بلندمدت با اصلاح ساختار نهادی، فنی، مدیریتی و بهبود فضای کسب‌وکار و تولید و تقویت صادرات متنوع فناورانه به فکر ایجاد بازار عمیق ارز و دسترسی به ثبات (نه تثبیت) بود. از این‌رو طراحی و اجرای سیاست ارزی باید همواره با در نظر گرفتن تعاملات متقابل میان نرخ ارز، تولید، صادرات و ثبات اقتصاد کلان صورت گیرد.

پیامدهای بی‌ثباتی در قیمت ارز دانست^۱. در نهایت، تداوم این بی‌ثباتی و عدم مدیریت مؤثر بازار ارز، پیامدهایی فراتر از حوزه اقتصادی دارد و به تهدیدی برای امنیت اقتصادی کشور تبدیل می‌شود. آسیب به تولید ملی، افزایش وابستگی به واردات، کاهش اشتغال و تضعیف نهادهای اقتصادی و نظارتی، زمینه‌ساز افزایش نارضایتی عمومی و کاهش تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی کشور خواهد بود. در چنین بستری، دستیابی به اهدافی مانند رشد پایدار، عدالت اجتماعی و حتی حفظ استقلال اقتصادی با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. از این‌رو، بازطراحی سیاست ارزی با رویکرد نهادی و تولیدمحور، ضرورتی است که نه تنها از منظر کارایی اقتصادی، بلکه برای حفظ ثبات و امنیت ملی باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

در صورتی که وابستگی تولید به ارز از مجرای مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای شدید نبود، تغییرات نرخ ارز می‌توانست از طریق افزایش صادرات و بهره‌وری و ارتقای رقابت پذیری موجب افزایش تولید شود، اما جداول مربوط به وابستگی تولید و صادرات که در بخش ارزی تولید و صادرات ارائه شده است، به وضوح گویای این است که تولید داخلی به شدت به ارز وابسته است. بنابراین، در طراحی سیاست‌های ارزی باید مقتضیات بخش

۱. برای بررسی آثار بی‌ثباتی (Instability) نرخ ارز بر عملکرد متغیرهای اقتصادی ر. ک به:

Cottani, J; Cavallo, D; and Khan, M (1990). Real Exchange Rate Behavior and Economic Performance in LDCs.

- ایجاد نظام شفاف رصد و تعهد ارزی صادرکنندگان: شفاف‌سازی کامل زنجیره صادرات، از ثبت اظهارنامه‌های صادراتی تا بازگشت ارز حاصل از آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به‌کارگیری سامانه‌های هوشمند رصد و تعهد ارزی و اتصال کامل آن‌ها به شبکه بانکی و گمرکی، امکان پایش دقیق ایفای تعهدات ارزی و جلوگیری از فرار سرمایه را فراهم می‌آورد.

- تنظیم واردات بر مبنای اولویت‌های تولیدی و محدودسازی واردات کالاهای مصرفی غیرضروری: سیاست‌های وارداتی باید با هدف حمایت از تولید داخلی، انتقال فناوری و کاهش وابستگی به واردات نهاده‌ها و کالاهای کم‌کشش تنظیم شود. تخصیص ارز تنها به واردات کالاهای ضروری و راهبردی و مشروط‌سازی آن به اثربخشی در زنجیره تولید داخلی، از مهم‌ترین ابزارهای تقویت سمت عرضه اقتصاد است.

منابع

- شاکری، عباس (۱۳۹۵). "مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران". انتشارات رافع.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲). بررسی و ارزیابی ساختار صنعت از منظر وابستگی واردات در کوتاه‌مدت و بلندمدت.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران <https://cbi.ir>
- بانک جهانی <https://databank.worldbank.org>

- ضرورت حرکت به‌سوی بازار عمیق و نظام ارزی کارآمد: بازار ارز ایران به‌خاطر انحصاری بودن طرف عرضه آن بسیار سطحی و کم‌عمق است. ازاین‌رو ثبات ارزی در چنین بازاری به‌آسانی تحقق نمی‌یابد و سهم قابل توجهی از ارزآوری اقتصاد، صادرات کشور از ناحیه نفت و گاز یا فرآورده‌های آن‌هاست که این درآمدهای ارزی کشور را به‌شدت در معرض ریسک قرار می‌دهد و برقراری نظام نرخ ارز شناور در چنین شرایطی تأمل‌برانگیز است. در چنین بازاری، نرخ ارز خوب علامت نمی‌دهد و نسبت به عدم تعادل‌های حساب‌های خارجی خوب واکنش نشان نمی‌دهد. ازاین‌رو باید به سمت ایجاد نظام ارزی و بازار رقابتی عمیق حرکت کرد و انعطاف‌پذیری تولید را بالا برد و از وابستگی‌های وارداتی و کم‌کشش بودن آن کاست تا بتوان با ایجاد نظام ارزی مناسب، تعیین نرخ ارز را به آن سپرد.

- ضرورت مهار تورم و مقابله با نوسانات بازار ارز: نکته مهمی که در اینجا باید به آن توجه شود، این است که آنچه در اقتصاد ایران اتفاق افتاده است، شاخص‌بندی نرخ ارز نسبت به تورم نیست، بلکه شکل‌گیری نرخ‌های بی‌ثبات در پی کاهش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت، تشدید وابستگی به واردات کالاهای مصرفی و نهاده‌ای در سال‌های قبل و هجوم سوداگران و مؤسسات بانکی خصوصی به بازار ارز بوده است. ازاین‌رو مصداق اصلاحات واقعی اقتصاد، کاهش تورم و از کار انداختن فنر ارز-تورم است نه افزایش و شاخص‌بندی نرخ ارز.

